

پروفسور دکتر عبدالقادر قره‌خان

رئیس کرسی ادبیات دانشگاه اسلامبول

## انواع ادبی مشترك در ادبیات باستانی ایران و ترك

مقاله‌ای که اینک درباره انواع ادبی مشترك در آثار کلاسیک فارسی و ترکی، که بعد از زبان عربی، غنی‌ترین و مشهورترین زبانهای دنیای اسلامی شرق میانه بشمار می‌روند، دست ساختمان سپرده شده است، در عین زمان مشخصاتی را که ادبیات ترك ازین نگاه حایز می‌باشد، به اختصار احتوا خواهد کرد.

در ادبیات، همانقدر که محتوی روح آثار ادبی را تشکیل میدهد، موجودیت شکل نیز اهمیت خاصی را حایز است. چنانچه نقش تعیین کننده‌ی را که شکل در انکشاف و تغییر و یا تصنیف آثار ادبی ایفا مینماید در نظر داشته باشیم. گذشته ازینکه انواع ادبی به محققان ادبیات مقایسی و یا تطبیقی ارزش معیاری دارد از نگاه خصوصیت‌های زبانهای فارسی و ترکی نیز اهمیت آن برآزنده است.

این ارزیابی مختصر در تثبیت پدیده‌های حسی و فکری جوامع ایران و ترك در قالب‌های معین و مجاهدت در راه ایضاح بخشی از میراث‌های مشترك فرهنگی این دو ملت، که در واقع گامی در راه تحقیقات آینده بشمار میرود،

اگر بچیت موضوعی که تا هنوز روی دست گرفته نشده است ، علاقمندی دانشمندان ادبی را بخود جلب نماید ، وجیه خود را بجا خواهد آورد .

انواع ادبی را شامل نظم و نثر که بصورت کلی در زبان و ادب عربی بعد از اسلام بصورت ابتدایی متشکل شده و در زبان و ادبیات ایران و ترك ، حتی نسبت به زبان عرب ، به انكشاف و نوآوری بیشتری نایل گردید . میتوان بدین-گونه تصنیف نمود .

تفسیر ، حدیث ؛ سیر ( آثاری درباره زندگی و سلوك حضرت پیغمبر ) ، مولد ( اساساً آثار مختصری در میلاد حضرت پیغمبر و معمولاً درباره معراج و رحلت آن حضرت ) . حلیه ( آثاری که مشخصات و ساختمان جسمی حضرت پیغمبر را ایضاح مینماید ) مقتل ( آثاری درباره شهدای بزرگ اسلام ؛ بیشتر از همه اقارب حضرت پیغمبر و بخصوص شهادت نوه حضرت پیغمبر ، حضرت امام حسین در کربلا ) ، ( آثاری که در آن حقوق و مخصوصاً موضوعات عملی و دینی چون عبادت و اخلاق اسلامی بررسی میشود ؛ حماسه ( اشعار رزمی ) ، تاریخ ، جنگنامه ( آثاری مخصوص درباره رزم و رزم آوران و فاتحان ، خمسه ( کلیاتی که شامل پنج مثنوی جداگانه بوده و توسط يك شاعر ابداع میگردد ، شهرانگیز ( آثار کوچکی که زیباییان و زیباییهای شهر را توصیف کنند ) ، سورنامه ( آثاری که مراسم ختنه سوری و عروسی را روی صفحه می آورد ) ، ساقینامه ( آثاری که در آن بصورت سمبولیک بیشتر از شراب و عشق سخن رفته باشد ) ؛ تذكرة الشعراء ( منتخباتی از شرح احوال ، آثار و افکار شاعران و نمونه هایی از کلام آنان ) ، تراجم احوال ( آثاری در بسارة شرح زندگانی شخصیت های بزرگ در ساحه های مختلف ) ، حکایه ( آثاری که پدیده های تاریخی و ذهنی را در چهره های تصوفی ، غنایی ؛ تعلیمی . حماسی و تخیلی

تبارز میدهد) و بالاخره نصیحت‌نامه‌ها، لطایف‌نامه‌ها، سفرنامه‌ها و مانند اینها.

تصنیف انواع ادبی ادبیات اسلامی به نثر و نظم؛ طوریکه شاید؛ امر سهل و آسانی هم نیست. آثاری که شامل این انواع ادبی میگردد، نخست بزبان عربی نگاشته شده و بعداً به ادبیات ملل دیگر مسلمان داخل گردیده و انواع جدیدی که متأثر از ضروریات، آرزوها و تمایلات گوناگون آن جوامع و هم تمایلات فردی نویسندگان بوده، در مرور زمان بآن افزوده گردیده است.

هرچند در اوایل آثار دینی و یا آسانی که در کتگوری آثار تاریخی و اجتماعی شامل میشد، مانند تفسیر، حدیث، سیر، فقه، حلیه، مقتل، تاریخ و طبقات بصورت نثر نگاشته میشد مگر تمام این انواع با تخیل نیرومند و استعداد سرشار شعری ایرانیان و ترکان بشکل کاملاً بارز انکشاف نموده و رشد کرده است. در ادبیات فارسی و ترک همانگونه که انواع ادبی بشکل نثر و یا نظم وجود دارد آثاری که بامخلوطی از نثر و نظم؛ مگر از نگاه مشخصه یکی ازینان تبارز بیشتر داشته باشد؛ نیز وجود دارد.

بطور مثال. انواع ادبی که صبغه دینی دارد؛ مانند تفسیر؛ حدیث؛ فقه و آثاری چون؛ تاریخ تذکرة الشعراء، تراجم احوال، لطایف‌نامه؛ سیاحت‌نامه و سفرنامه و آثار دیگری که درین تصنیف شامل میگردد؛ معمولاً با حلیه نثر آراسته گردیده است؛ در حالیکه مولدها؛ حلیه‌ها؛ خمسه‌ها شهرانگیزها و ساقینامه‌ها در قالب نظم متشکل گردیده است.

چهل حدیث که بخشی از احادیث را تشکیل میدهد و سیر مقتل؛ سورنامه نصیحت‌نامه و انواع دیگر ادبی؛ بعضاً بصورت منشور و بعضاً بشکل منظوم و

زمانی هم بامخلوطی ازین دوشکل ادبی دست‌ساختمان سپرده شده است . بنا بر آن تثبیت معاییری که ساحة ابداع انواع ادبی را بشکل منظوم ، منثور و یا مخلوطی ازین دو ، بصورت قاطع ارائه نماید خالی از اشکال نیست . از آنجا است که نویسندگان باادراك این محدودیت‌ها ؛ به پیمانۀ قابل ملاحظه خویشتن را آزاد نموده‌اند ؛ اساساً در ادبیات باستانی ایران و ترك ؛ موضوعاتی که نگاشتن آن بشکل منثور لازم بوده ، هر چند اندك هم باشد، در میان جمله‌ها ؛ گنج‌چینیدن اشعارشکل غنعنوی داشته است . اکثر ابیاتی که مناسب با موضوع آثار تصور انتخاب شده، از شخص مؤلف نبوده ، بلکه از شاعران متقدم برگزیده شده است . مگر در اقتباسات ازینکه از تذکر اسم شاعر اهمال بعمل آمده، اکثر در تثبیت زمان شعرو گوینده آن مشکلاتی ایجاد گردیده ؛ حتی بعضاً ناممکن شده است . تذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود، که در ادبیات ایران و ترك انواع منثور به پیمانۀ انواع منظوم صبغه ادبی نیافته است و انواع منثور به نفس خود نیز از نظر مشخصات حفری ، طوریکه شاید، نتوانسته است بحیث اثر ادبی تبارز نماید . مخصوصاً در ادبیات عثمانی انواع منثور ، بیشتر از همه در چو کات ادبیات تعلیمات دینی مطالعه شده و زمانی که سخن از انواع ادبی بمیان آمده ؛ در صف نخستین انواعی قرار گرفته که شکل منظوم داشته است .

در دوره‌های نخستین ادبیات کلاسیک ترك ؛ آثاری چون تفسیر ، حدیث سیر و فقه که پایه‌های آن روی زبان و ادبیات عرب استوار بوده است ، در مرحله نخست با فعالیت‌هایی که از طریق ترجمه صورت میگرفته ، به اساس عقاید و بجا آوردن وجایب دینی ترکان مسلمان ، این انواع ایجاد شده و راه انکشاف را پیموده است ، بعداً این انواع ادبی در ادبیات فارسی و ترکی بصورت ابداع و تألیف بمیان آمده و روش‌های تازه و وسیع درین قسمت گشوده شده است

در عین زمان با تأثیر قرآن و حدیث ، حاکمیت زبان عربی در زبان و ادبیات فارسی و ترکی محسوس بوده است .

در برابر این وضع ، در مقتل ، خمسه ، تذکره اشعراء و انواع ادبی مانند اینها تأثیر زبان و ادبیات فارسی ادامه داشته است . مثلاً در تفسیر آثار شخصیت های مانند طبری ، زمخشری ، در حدیث آثار بخاری تاترفدی یعنی صاحبان صحاح سه ، در سیر آثار ابن اسحاق و ابن هشام ، در فقه آثار قدوری میرغنائی و صدر الشریعه هر کدام رهبر طبقه علمای دین بوده است . آثار زبان و ادبیات ایران درین بخش دانش مخصوصاً در میان علمای عثمانی هیچگونه رغبتی ندیده است . بدون شك اختلافات مذهبی درین میان نقش عمده داشته است . تنهادر نوع مقتل ، نویسندگانی که قبلاً از زبان عربی استفاده نموده بودند ، در مراحل بعدی به مظاهر ادبیات ایران و مخصوصاً آثار دینی ، غنایی ؛ و تراویک حسین واعظ کاشف هروی دلپاخته اند . مگر درین قسمت نسبت به ترجمه با ارائه استعداد های معنوی خود ، به ایجاد آثاری که شباهتی میان تألیف و ترجمه داشته است ، پرداخته اند .

حدیقه السعداء اثر فضولی ، بزرگترین نبوغ شعر در ادب ترك ؛ در نوع مقتل حسین نشانه بزرگترین پیروزی درین قسمت بشمار می آید ..

در قسمت خمسه باید گفت که بنابر تأثیر آثار نظامی گنجوی خسرو دهلوی و عبدالرحمن جامی که هر کدام شاهکارهای زبان و ادبیات فارسی بشمار میرود در قرن پانزده خمسه هایی در ادبیات چغتایی و عثمانی نیز آغاز شد و انکشاف کرد . بعد از نخستین نویسندگان خمسه در ادبیات ترك مانند میرعلی شیرنوبی و حمدالله حمدی این نوع ادبی با چهره های درخشان دیگری چون یحیی تاشلیجلی (قرن شانزده) ، نوعی زاده عطایی و نرگسی (قرن هفده) رفته رفته مشخصات

محلی و ملی را بدست آورده است. معمولاً مثنوی‌هایی که در خاور میانه چون یوسف وزلیخا، فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون بصورت منظوم نگاشته شده و موضوعاتی مانند عشق و محبت، تصوف و عرفان و مسایل اجتماعی را احتواء کرده است. در ادب ترکی تنها نرگسی این نوع ادبی را بشکل مثنوی بوجود آورده و بدین ترتیب از نظر شکل تغییری به نثر ایجاد کرد.

در قسمت تذکرة الشعراء، بازم تذکرة مذکرة نویسنده مشهور در ادبیات فارسی دولت‌شاه سمرقندی بحیث نمونه مورد قبول همگان است. در قرون بعدی به پیروی از مجالس النفایس نوایی و هشت بهشت سهی، یکسلسله تذکرة‌های دیگر نیز بوجود آمده است.

هر چند ترکها و مخصوصاً ترکان عثمانی، در خلال انواع ادبی در انکشاف و تکامل این انواع سهم بر آورنده‌یی داشته‌اند، درین میان انواع ادبی که توسط نویسندگان و شاعران عثمانی ابداع گردیده، نیز وجود دارد. بطور مثال رساله «الاربعون حدیث» محی‌الدین النهووی که بصورت مثنوی به شکل حدیث اربعین به عربی نگاشته شده، زمانیکه صورت منظوم آن بفارسی روی دست گرفته شده رساله «چهل حدیث» عبدالرحمن جامی بفارسی ترجمه گردیده و بحیث مثال از آن استفاده شده است. مگر ترکها همیشه به اساسات این بخش انواع ادبی صداقت کامل نشان داده و واقعاً از نظر ادبی با ایجاد «چهل حدیث» ها به پیروزی‌هایی که دیگران تصور هم نمی‌نمودند، نایل شدند و درین قسمت همپایهٔ ادبیات فارسی پیش رفتند.

در بخش حماسه، هر چند شاهکار منظوم به ترکی مانند شاهنامه فردوسی موجود هم نباشد باز هم آثاری که از حماسهٔ اوغوز آغاز شده و تا ابومسلم، دانشمندان و دده قورقود ادامه یافته در میان کتله‌های مردم با علاقمندی خوانده

شده و قرن‌ها تأثیر خود را بر احساسات و عواطف جامعه باقی گذاشته است، در نظر گرفته شود، درین نوع ادبی نیز پیروزی ترکه‌ها را نمیتوان نادیده گرفت .

در اینجا بحث از انواع ادبی‌یی که قبلاً ایجاد شده، مگر توسط ترکه‌ها، به انکشاف‌هایی نایل آمده و یا بخشی ازین انواع توسط ترکه‌ها ابداع گردیده است و جیبه‌ایست که باید بجای آورده شود. درین میان انواعی چون مولد، حلیه، سورنامه، سیاحت‌نامه، نصیحت‌نامه و لطایف‌نامه که قبلاً ایجاد شده و توسط ترکه‌ها انکشاف داده شده است، و انواع دیگر مانند شهر انگیز و محتملاً سابقینامه که نخستین بار توسط شاعران عثمانی بکار برده شده است .

هر چند نوع مولد در زبان عربی آغاز گردیده و مراسم مولد، گذشته از عثمانی‌ها در دول دیگر اسلامی نیز مروج بوده است، مگر در هیچیک از ادبیات این دول، به پیمانه ادبیات ترکان عثمانی، چه از نظر کمیت و چه از نگاه ارزش‌ها ادبی، درین قسمت آثاری که میان مردم رواج تمام داشته و مبین پیروزی‌های بزرگی باشد، بوجود نیامده است .

در آغاز قرن پانزده مولدی که مسمی به «وسيلة النجاة» از قریحه سلیمان چلبی در بورسنگاشته شده، تا امروز در میان مردم، مظهر ستایش و بزرگداشتی که نظیر آن تا هنوز دیده نشده است، میباشد .

هم‌چنین حلیه‌هایی که بزبان عربی نگاشته شده، آغاز آن از اثر تمدی بنام «شمانل شریف» است، که مشخصات دینی این حلیه‌ها نظر به تمیزات ادبی آن سنگینی بیشتر دارد .

مگر در ادبیات اواخر قرن شانزده عثمانی، حلیه‌خاقانی محمد که بطرز مثنوی نگاشته شده ارزش خود را از نظر ادبی، تا امروز در مقام اول حفظ کرده کرده است. «سورنامه» های نابیی و وهبی که نخستین منظوم و دومین مثنوی

میباشد، «سیاحت‌نامه» اولیاءچلیپی و «لطیفه»های نصرالدین خواجه هر کدام در نوع خود ادبیات ترکی عثمانی را رونق و زیبایی دیگر بخشیده است. برعلاوه «خیریه»های نابی در بخش نصیحت‌نامه تاهنوز بحیث شاهکار کوچکی شناخته میشود.

در قسمت شهرانگیزها، این نوع ادبی نخستین بار در نیمه دوم قرن پانزده با اثر مسیحی موسوم به «شهرانگیز ادرنه» آغاز شد و ایرانی‌ها بعد از ترکها بساین نوع ادبی ترتیب اثر دادند هم‌چنین ساقینامه‌ها نیز نخست در ادبیات ترک باعشرت نامه‌اوانی در آغاز قرن شانزده پایه‌عرصه وجود میگذارد. در قرن هفده ساقینامه به پیمانه زیادی ایجاد شد و انکشاف نمود.

اگر به استنتاج پرداخته آید، بادر نظر داشت این حقیقت که زبان عربی زبان اصلی در بیان عواطف دینی و اندیشه‌های ادبی بوده و در فرهنگ و مدنیت ملل اسلامی نفوذ و تاثیر عمیق داشته و در ایجاد و ابداع انواع ادبی و انکشاف آن، منشا و منبع نخستین بوده است، باتمام اینها باید گفت که بخش بزرگ انواع ادبی در ادبیات کلاسیک ایران و ترک وجوه مشترک دارد، مگر انواع ادبی را که ترکها از ادبیات فارسی گرفته‌اند، بادر نظر داشت مشخصات و عنعنات ملی و محلی خود، آنرا انکشاف داده و با ابداع انواع جدید پیروزیهایی درین قسمت بدست آورده و از حدود تقلید به محیط ایجاد گذشته‌اند. بدین ترتیب در انواع ادبی بعضی ادیبانی که سر مشقی در ادبیات ترکی شناخته شده‌اند، شاعران ترک در واقع صیغه دلپذیرتر و لذات شیرین تر بآن بخشیده‌اند.